

# شادی «مهر» برای بچه‌ها؛ ترافیک برای والدین

گروه جامعه

گزارش روز

از کدام روی سکه بازگشایی مدارس بنویسیم بهتر است؟ از آramش نسبی ناشی از دور شدن سایه کرونا و رنگ دوباره‌ای که شور و شوق دانش‌آموزان به فضای سوت و کور مدارس پاشیده است یا از ناهماهنگی‌هایی که تمامی ندارد و هر سال، بی‌تغییر، تکرار می‌شود؟ «بی‌تغییر» توصیفی خوش‌بینانه به نظر می‌رسد و دیده‌ها و شنیده‌های خبرنگاران شهر را از نقاط مختلف شهر گویای تشدید بی‌نظمی‌ها در نخستین روز بازگشایی رسمی مدارس مشهود است. حتی تصمیمات مدیریتی از جنس تغییر ساعت کار ادارات و بانک‌ها نیز نتوانست رضایت شهروندان را در پی داشته باشد. هرچند محدودیت فضای صفحه، مانع از انعکاس همه پیام‌های گلایه‌آمیز شهروندان از گوشه و کنار شهر بود، می‌شودان‌ها را در چند نکته دانه‌درشت خلاصه کرد، یکی گره‌های ترافیکی کلافه‌کننده در خیابان‌های منتهی به مدارس تا جایی که طی کردن مسیر ده دقیقه‌ای تادوساعت به‌طول انجامید و دیگری وضعیت نابسامان سرویس مدارس که در کمبود جدی آن‌ها، افزایش تعداد خودروهای تک‌سرنشین برای جابه‌جایی دانش‌آموزان خیابان‌ها را قفل کرد.



اگرچه به گفته خودش نیازی به حضورش در مدرسه نبوده وصف درست و حسابی‌ای هم تشکیل نشده اما بازهم مدتی زیر آفتاب مانده است تا بداند اوضاع نظم و ترتیب کلاس‌ها به چه شکل است که البته از آن شکایت دارد: این اولین سال حضورمان در منطقه قاسم‌آباد است و چون شنیده بودم مدرسه دولتی نزدیک خانه کیفیت آموزشی خوبی دارد، فرزندم را ثبت‌نام کردیم. اما از مسئولان مدرسه گلایه دارم، هرسال همین تشکیل کلاس و تقسیم‌بندی را دارند اما انگار از روز اول غافلگیر شده بودند. نه می‌دانستند چطور برنامه اجرا کنند، نه چگونه پاسخگوی والدین باشند، شاید هم فقط مدرسه دختر من این طور بوده است، نمی‌دانم.

شرح می‌دهد که تا لحظه حضور او کلاس اولی‌ها زودتر راهی کلاس شده‌اند اما دانش‌آموزان دیگر مدتی در حیاط معطل مانده‌اند و والدین که اغلب نگران رسیدن به محل کار خود بودند، ایستاده بودند تا تکلیف کلاس‌ها و سرویس‌ها را ببندند.

والدین پسرهای دانش‌آموز، آن هم در مقطع متوسطه اول و دوم، نگرانی کمتری بابت حضور و جزئیات مدرسه فرزندشان دارند. این را خانم آقای ناصری می‌گویند که پسر کلاس دهمی دارند. سال گذشته پسرشان هر روز که مدرسه‌ها باز بود، سر کلاس درس حاضر می‌شد و امسال قرار است با اتوبوس شخصی خانه تا مدرسه را در بولوار معلم طی کند. پدر نیما می‌گوید: لااقل در این یک مورد هرسال که می‌گذرد خیالمان راحت‌تر می‌شود و از مشکلات گرفتن سرویس و آمدن و نیامدن و هزینه بالای آن آسوده شده‌ایم. چند روز پیش یک «من کارت» برای پسر خریدم و سوار اتوبوسش کردم که مسیر را یاد بگیرد.

از ساعت ۱۷ خانه خارج شده‌اند و از شلوغی بیش از اندازه در بولوار معلم و مسیرها به شدت شاکی است: عجیب است که برخلاف روزهای عادی امروز با این همه ترافیک، حتی یک مأمور راهنمایی و رانندگی سر چهارراه‌ها ندیدیم، آن هم در مکان‌هایی مانند دانشجو، دانش‌آموز و چهارراه معلم، هیچ خبری نبود. خدا را شکر که چراغ‌های راهنمایی دچار مشکل نشدند و گر نه با این ترافیک ساعت ۹ صبح هم به محل کارمان نمی‌رسیدیم. نیما پارسال هم به همین مدرسه می‌آمده است و همه مسئولان را می‌شناسد. پدرش کمی مانده به مدرسه آنجا که به اندازه یک خودرو جای توقف است می‌ایستد، او را پیاده می‌کند و می‌رود.

مسئولان ردیف می‌کنند؛ مثلاً کمبود بودجه، کمبود زمین یا کاربری آموزشی در مشهد و سایر مواردی که خودتان بهتر می‌دانید، چیزی که هیچ بهانه‌ای برایش پذیرفتنی نیست وضعیت بهداشت در دبستان دخترانه‌ای است که این پدر برایمان بازگو می‌کند: «این مدرسه در ایام تعطیلات همیشه زائر دارد. انگار زمانی باقی نمی‌ماند برای اینکه یک دست‌رنگ به در و دیوار کلاس‌ها بزنند. وضعیت نیمکت‌ها هم اصلاً خوب نیست. این طور بگویم که از شش سال پیش که دختر بزرگم کلاس اولی بود تا امسال که از این مدرسه رفت و در متوسطه اول ثبت‌نام شد، وضعیت میز و صندلی‌ها هیچ تغییری نکرده است.»

او ادامه می‌دهد: رسیدگی به سرویس بهداشتی و آب‌خوری هم خیلی ضعیف است، چیزی در حد صفر. انگار برای اولیای مدرسه اهمیتی ندارد که این‌ها تمیز هستند یا نه. شاید چون خودشان سرویس بهداشتی اختصاصی دارند. چندصد دانش‌آموز مدرسه هم باید از پنج چشمه سرویس بهداشتی گوشه حیاط با آن بوی بد و نفاقت ناجور استفاده کنند. برای این مدرسه با این وضعیت، ۳۰۰ هزار تومان هم پرداخت کردم.

نام این مدرسه در حاشیه شهر مشهد را برای پیگیری از مسئولان آموزش و پرورش و صرفاً برای مدتی محدود به رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی داشت و... می‌زود نیمکت‌ها بدون تغییر

جواد روز پرکاری را سپری کرده و هر سه فرزند ۸، ۱۳ و ۷ ساله‌اش را خودش رسانده است مدرسه. بالا بودن هزینه‌های سرویس او را که از اتباع افغانستانی ساکن مشهد است، به این رفت‌وآمد هر روزه و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی مجاب کرده است. جواد ساکن محدوده طبرسی شمالی است و از روز نخست بازگشایی رسمی مدارس روی بی‌نظمی‌هایش انگشت می‌گذارد، به‌ویژه مدارس دولتی‌ای که برای دو فرزند کلاس اولی و دومی خود و در محدوده سکونتشان انتخاب کرده است. «من دهه‌شصتی هستم، در مدرسه درس خوانده‌ام که کلاس‌هایش چهل نفر جمعیت داشت. سال‌ها گذشته و تغییری در وضعیت کلاس‌هایی که بچه‌هایم در آن‌ها درس می‌خوانند ایجاد نشده است. به نظرتان ۴۲ بچه برای فضایی که کمی از سه در چهار متر مربع بزرگ‌تر است زیاد نیست؟ معلم می‌تواند این جمعیت را مدیریت کند و به آن‌ها خوب درس بدهد؟ می‌شود برای جواد که دغدغه سلامتی و تحصیل بچه‌هایش را دارد، دلایلی آورد از جنس دلایلی که

است، «آمارش را دار آوردم. هزینه سرویس مدرسه برای فاصله پانزده کیلومتری خانه ما تا مدرسه پسر، اگر خودرو پراید باشد ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان درمی‌آید و اگر سمند باشد ۴ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌شود. سرویس مدرسه پسر پراید است و دارد پول ماشین مدل بالاتر را می‌گیرد، ضمن اینکه قرار بود چهار بچه را سوار کند ولی پنج نفر را سوار می‌کند. مدت زمانی که بچه باید توی سرویس بماند و خودرو از این خیابان به آن خیابان دنبال بقیه بچه‌ها برود، بیشتر می‌شود و آخرش هم دیر می‌رسند به مدرسه.»

گله دیگری که این مادر دارد، سهل‌گیری مدرسه در دیر رسیدن بچه‌هایی است که با سرویس می‌رسند. «مدرسه با سرویس‌های طرف قرارداد کنار آمده و گفته است که اگر بچه‌ها را تا ساعت ۷:۴۵ بفرستند، ایرادی ندارد. این یعنی عملاً نصف بچه‌ها به‌ترمش، آیین پرچم، قرآن و نیاپش صبحگاهی نمی‌رسند. من از این تصمیم‌رایی نیستیم، چون برایم کارهای پرورشی همان قدر اهمیت دارد که آموزشی.»

خانم عادل دغدغه خیلی چیزها را دارد؛ مثلاً اینکه آیا امسال هم مدرسه پسرش مثل مدرسه دولتی پارسال او، به درس قرآن کم‌توجه خواهد بود، آیا بجای دادن فرزندش و ۳۰ کودک دیگر در یک کلاس می‌شود امیدی به رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی داشت و... می‌زود نیمکت‌ها بدون تغییر

جواد روز پرکاری را سپری کرده و هر سه فرزند ۸، ۱۳ و ۷ ساله‌اش را خودش رسانده است مدرسه. بالا بودن هزینه‌های سرویس او را که از اتباع افغانستانی ساکن مشهد است، به این رفت‌وآمد هر روزه و استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی مجاب کرده است. جواد ساکن محدوده طبرسی شمالی است و از روز نخست بازگشایی رسمی مدارس روی بی‌نظمی‌هایش انگشت می‌گذارد، به‌ویژه مدارس دولتی‌ای که برای دو فرزند کلاس اولی و دومی خود و در محدوده سکونتشان انتخاب کرده است. «من دهه‌شصتی هستم، در مدرسه درس خوانده‌ام که کلاس‌هایش چهل نفر جمعیت داشت. سال‌ها گذشته و تغییری در وضعیت کلاس‌هایی که بچه‌هایم در آن‌ها درس می‌خوانند ایجاد نشده است. به نظرتان ۴۲ بچه برای فضایی که کمی از سه در چهار متر مربع بزرگ‌تر است زیاد نیست؟ معلم می‌تواند این جمعیت را مدیریت کند و به آن‌ها خوب درس بدهد؟ می‌شود برای جواد که دغدغه سلامتی و تحصیل بچه‌هایش را دارد، دلایلی آورد از جنس دلایلی که

پاسخ گویی به والدین استفاده می‌کند: سرویس‌ها هنوز از نظر شرایط و مسیرها مشخص نیست. احتمالاً چند روزی زمان می‌برد تا هماهنگی‌ها نهایی انجام شود. تان روز از والدین تقاضا داریم که خودشان هماهنگی رفت‌وآمد فرزندانشان را انجام دهند. گفته‌های مدیر با گلایه مجدد تعدادی از والدین همراه است. آن‌ها معتقدند که این هماهنگی‌ها و مشخص شدن رانندگان سرویس و مسیرهای آنان باید قبل از بازگشایی مدارس انجام می‌شده است. وضعیت سرویس مدارس در روز اول بازگشایی مدارس مشهد به‌نحوی بود که تعدادی از والدین تصمیم گرفتند از تاکسی برای رسیدن به مدرسه استفاده کنند. مریم ابوالفضلیان یکی از این مادران است که همراه فرزندش با تاکسی مدرسه آمده است. می‌گوید: وضعیت سرویس مدارس هنوز مشخص نیست. بچه‌های دبستانی سنی ندارند و نمی‌توان آن‌ها را تنها راهی کرد، برای همین با تاکسی همراه پسر آمدیم.

هزینه سمند برای پراید با تأخیر به محل کارش رسیده است و باید هر چه زودتر کارهای عقب‌مانده‌اش را انجام بدهد. برای همین کوتاه صحبت می‌کند و روایتی دقیق از بی‌نظمی‌های نخستین روز رسمی بازگشایی مدارس در مشهد را برایشان شرح می‌دهد. خانم عادل جزو والدین خوش‌شانسی است که امسال سرویس مدرسه به‌موقع برای فرزندانش جور شد؛ با این حال می‌گوید دلش نیامده است که پسر کلاس چهارمی‌اش را تا کلاس درس بدرقه نکند. «خانه ما در هاشمیه است و مدرسه پسر در بولوار دانشجو. امروز ترافیک در محدوده چهارراه معلم زیاد بود. برای رسیدن به محل کارم از انتهای دانشجو وارد صدمتری شدم که بازهم خیلی شلوغ بود و ماشین‌ها قدم به قدم حرکت می‌کردند. در مسیر مدرسه و محل کار خبری هم از پلیس راهنمایی و رانندگی نبود. خلاصه اینکه مسیر بیست دقیقه‌ای تا محل کارم ۴۵ دقیقه طول کشید. با شرایطی که من دیدم، روزهای بعد هم وضعیت چندان بهتر نمی‌شود.»

دلیل پیش‌بینی‌اش را که می‌پرسم، می‌گوید: امسال سرویس مدارس کم است. گویا دوسالی که کرونا بود، بعضی شرکت‌های مورد تأیید تاکسی‌رانی منحل شدند و راننده‌هایشان تغییر شغل دادند. در نتیجه والدینی که ماشین دارند خودشان باید بچه‌هایشان را بفرستند. کمبود سرویس مدارس حتی برای والدینی مانند او هم که سرویس پیدا کرده‌اند، نارضایتی‌هایی در پی داشته

«بچه‌ها» از ساکنان مهم شهرها هستند و بخش درخورتوجهی از شادمانی، امید و طراوت شهر به حضور آن‌ها بستگی دارد. بر این اساس چگونگی آموزش، پرورش و تربیت بچه‌ها آینده شهر و کیفیت زندگی فردا را رقم می‌زند. امروزه یکی از پدیده‌های مهم شهرنشینی «مدرسه‌ها» هستند که در آن آینده‌سازان شهر برای پذیرش مسئولیت‌های مهم اجتماعی به کسب دانش و مهارت می‌پردازند. همه جمله «مدرسه‌خانه دوم است»، را بارها شنیده‌ایم. اما آیا واقعاً در زمان تحصیل مدرسه‌را خانه دوم می‌دانستیم؟ دانش‌آموزان ما تا چه اندازه مدرسه را دوست دارند و آن را خانه دوم می‌پندارند؟ مدارس در این میان چه وظیفه‌ای دارند و چگونه باید به خانه دوم دانش‌آموزان تبدیل شوند؟ بی‌گمان ایجاد محیطی مطلوب در کنار آموزش یکی از وظایف مهم مدارس است، محیطی که دانش‌آموزان آن را دوست داشته باشند و از حضور در آن لذت ببرند. ضرورت دارد در طلیعه

یادداشت

## آینده‌سازان شهر



روزانه نگار و مدرس دانشگاه دکتر مهییار احمدی

پاییز و شروع ماه مهر و بازگشایی مدارس پاسخ مناسبی برای این پرسش‌ها و اینکه «آیا باید بچه‌ها را برای مدرسه ساخت یا مدرسه را برای بچه‌ها؟» داشته باشیم، یعنی این‌بچه‌ها هستند که باید خود را با شرایط مدرسه وفق دهند یا مدرسه باید به گونه‌ای باشد که بچه‌ها آن را بپسندند؟ در بیشتر مدارس این شیوه وجود دارد که دانش‌آموز وقتی وارد محیط جدید می‌شود، ناچار است با شرایط آن کنار بیاید؛ کمتر این تفکر حاکم است که مدارس باید زمینه‌ای فراهم سازند تا دانش‌آموزان خود را به آن محیط وابسته بدانند و حضور در آن را مایه پیشرفت

راهکارهای مهم افزایش نشاط و رغبت دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت آموزشی است. بنا به تأکید امام‌راحل «باید مدارس را در پایین که دانشگاه دیر است»، اگر می‌خواهیم با سرعت فراینده فناوری و تغییرات گسترده اخلاقی و اجتماعی در جامعه امروزی مطابق با پیش‌نیازهای الگوی اسلامی ایران پیشرفت و حرکت کنیم، باید به ارتقای آموزش و پرورش در کشور اهتمام ویژه داشته باشیم. فرزندان ما زندگی کردن را در خانه و مدرسه می‌آموزند و بر اساس نظریه «یادگیری اجتماعی» شهر و جامعه از نتیجه رفتار آن‌ها متأثر می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد. پس تحقق «نظام شهروندی فعال، مسئولیت‌پذیر، کرامت‌محور، مشارکت‌جو و توسعه‌یافته، فقط در سایه نظام آموزش و پرورش متعالی امکان‌پذیر خواهد بود. پس شایسته است اکنون در ابتدای سال تحصیلی این رویکرد بیش از پیش توسط رسانه‌ها و مسئولان ذی‌ربط از نهادهای متولی مطالبه شود.

